

شناسایی مؤلفه‌های مسئولیت اخلاقی در مواجهه با علم جدید از منظر فلسفه اسلامی

۱. سیدمسعود طباطبایی*: گروه کلام اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: m.tabatabaei84@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های مسئولیت اخلاقی در مواجهه با علم جدید از منظر فلسفه اسلامی است. پژوهش حاضر به صورت کیفی و با رویکرد تحلیل مضمون انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۴ نفر از متخصصان حوزه فلسفه اسلامی، اخلاق و علم، گردآوری شد. مشارکت کنندگان به صورت هدفمند از میان اندیشمندان مقیم شهر تهران انتخاب شدند. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و پس از پیاده‌سازی، با استفاده از نرم‌افزار NVivo مورد تحلیل مضمون قرار گرفتند. نتایج تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه مقوله اصلی شامل: «مبانی فلسفی مسئولیت اخلاقی»، «الزامات کنش اخلاقی در مواجهه با علم جدید»، و «سبک زندگی اخلاقی دانشمند مسلمان» شد. در ذیل این مقوله‌ها، زیرمقوله‌هایی نظیر نقش عقل عملی، اراده و اختیار، پیوند علم با معنویت، مسئولیت اجتماعی دانشمند، اخلاق جهانی علم و پاسخ‌گویی علمی به جامعه شناسایی گردید. داده‌ها نشان دادند که مسئولیت اخلاقی در فلسفه اسلامی واجد ابعاد عقلانی، وجودی، و معنوی است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که فلسفه اسلامی، با تکیه بر عقل و وحی، می‌تواند چارچوبی غنی و بومی برای تحلیل اخلاق علم جدید ارائه دهد. مؤلفه‌های شناسایی شده در این پژوهش قابلیت استفاده در طراحی سیاست‌های اخلاقی، آموزش دانشگاهی، و نهادسازی در حوزه اخلاق علم را دارند. همچنین نتایج می‌توانند به تبیین سبک زندگی اخلاق‌مدار در میان دانشمندان مسلمان کمک نمایند.

کلیدواژه‌گان: فلسفه اسلامی، مسئولیت اخلاقی، علم جدید، اخلاق علم، عقل عملی، دانشمند مسلمان

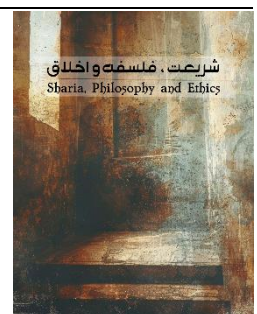
شیوه استناددهی: طباطبایی، سیدمسعود. (۱۴۰۳). شناسایی مؤلفه‌های مسئولیت اخلاقی در مواجهه با علم جدید از منظر فلسفه اسلامی. شریعت، فلسفه و اخلاق، ۲(۳)، ۱-۹.

تاریخ ارسال: ۱ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۷ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۹ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۲ مهر ۱۴۰۳



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



Identifying the Components of Moral Responsibility in Confronting Modern Science from the Perspective of Islamic Philosophy

1. Seyed Masoud Tabatabaei*: Department of Islamic Theology, University of Quran and Hadith, Qom, Iran

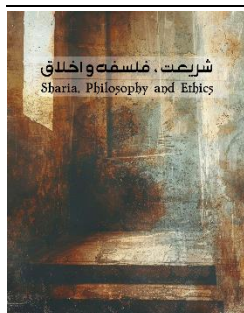
*Corresponding Author's Email: m.tabatabaei84@gmail.com

Abstract

The aim of this study is to identify the components of moral responsibility in confronting modern science from the perspective of Islamic philosophy. This qualitative study employed a thematic analysis approach. Data were collected through semi-structured interviews with 24 experts in Islamic philosophy, ethics, and science. Participants were purposefully selected from scholars residing in Tehran. Interviews continued until theoretical saturation was reached. Data were transcribed and analyzed using NVivo software. The findings revealed three main themes: "philosophical foundations of moral responsibility," "ethical imperatives in confronting modern science," and "the moral lifestyle of the Muslim scientist." Subthemes such as the role of practical reason, will and agency, science-spirituality integration, social responsibility, global scientific ethics, and public accountability were identified. The results indicate that moral responsibility in Islamic philosophy is grounded in rational, existential, and spiritual dimensions. This study demonstrates that Islamic philosophy, rooted in both reason and revelation, provides a rich and indigenous framework for the ethical analysis of modern science. The identified components can be utilized in developing ethical science policies, academic training, and institutional frameworks. Moreover, the findings offer practical insights into fostering an ethically responsible lifestyle among Muslim scientists.

Keywords: *Islamic philosophy, moral responsibility, modern science, ethics of science, practical reason, Muslim scientist*

How to cite: Tabatabaei, S. M. (2024). Identifying the Components of Moral Responsibility in Confronting Modern Science from the Perspective of Islamic Philosophy. *Sharia, Philosophy and Ethics*, 2(3), 1-9.

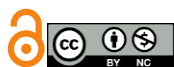


Submit Date: 22 July 2024

Revise Date: 28 August 2024

Accept Date: 19 September 2024

Publish Date: 3 October 2024



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

در جهان معاصر، پیشرفت‌های علمی و فناوری با چنان شتابی همراه شده‌اند که ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان را به‌طور گسترده تحت تأثیر قرار داده‌اند. از مهندسی ژنتیک گرفته تا هوش مصنوعی، از فناوری نانو تا علوم شناختی، همه این حوزه‌ها نه تنها به خلق فرصت‌های نوین در زندگی بشر منجر شده‌اند، بلکه با پرسش‌های عمیق اخلاقی نیز همراه بوده‌اند؛ پرسش‌هایی درباره مرزهای مداخله در طبیعت، کرامت انسانی، عدالت علمی، مالکیت دانش و پیامدهای ناخواسته علوم جدید. این چالش‌ها باعث شده تا اخلاق علم، به‌عنوان شاخه‌ای میان‌رشته‌ای، نقشی فزاینده در عرصه پژوهش و سیاست‌گذاری علمی ایفا کند (Resnik, 2020).

در این میان، فلسفه اسلامی با تکیه بر آموزه‌های عقلانی، وحیانی و سنتی خود، ظرفیت‌هایی غنی برای پرداختن به این دغدغه‌ها دارد. برخلاف برخی رویکردهای غربی که بر نسبی‌گرایی اخلاقی یا قراردادی‌گرایی تأکید دارند، فلسفه اسلامی بر مبنای تلفیق عقل و وحی، به دنبال استخراج اصولی عام و فرازمانی برای تحلیل اخلاقی کنش‌های انسانی است (Nasr, 2006). از این‌رو، تحلیل اخلاقی علم از منظر فلسفه اسلامی نه تنها امکان‌پذیر، بلکه ضروری است؛ چرا که این سنت فکری می‌تواند الگوهای بومی و معناگرایانه برای مواجهه اخلاقی با علم جدید ارائه دهد (Al-Attas, 1993).

یکی از مفاهیم کلیدی در این زمینه، مفهوم «مسئولیت اخلاقی» است؛ مفهومی که بیانگر رابطه میان آگاهی، اختیار، پیامدهای کنش و تعهد فرد در قبال دیگران، جامعه و حتی هستی است (Jonas, 1984). در بستر علم جدید، این مسئولیت تنها محدود به نتایج تجربی پژوهش نیست، بلکه به نیت، شیوه تولید دانش، کاربردهای آن، و پاسخ‌گویی به جامعه نیز گسترش می‌یابد (Zwart, 2008). به تعبیر دیگر، مسئولیت اخلاقی دانشمند در جهان معاصر شامل «دانستن برای چه؟»، «دانستن چگونه؟» و «دانستن برای چه کسی؟» می‌شود. این ابعاد متنوع مسئولیت، در فلسفه اسلامی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در آثار فیلسوفانی چون فارابی، ابن‌سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، ملاصدرا و علامه طباطبایی قابل ردیابی است. برای نمونه، ابن‌سینا در «شفا» بر نقش عقل عملی در اخلاق و سیاست تأکید می‌کند و علم را اگر در خدمت کمال انسانی نباشد، بی‌فایده یا حتی مضر می‌داند (Ibn Sina, 1952). فارابی، علم را باید در جهت خیر عام به کار برد و اخلاق را مقدمه‌ای بر سیاست و تربیت انسانی می‌داند (Farabi, 1985). ملاصدرا نیز با تأکید بر پیوند علم و عمل، معرفت را تنها در صورتی مفید می‌داند که به عمل صالح و رشد وجودی بینجامد (Nasr, 2006). این نگاه هستی‌شناختی و غایت‌مدار، بستر مناسبی برای فهم مسئولیت اخلاقی در مواجهه با علم جدید فراهم می‌سازد.

از سوی دیگر، در آثار متأخر اسلامی نیز تلاش‌هایی برای بازخوانی این مفاهیم دیده می‌شود. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، انسان را موجودی مختار و مسئول می‌داند که باید در چارچوب عقل و وحی، در قبال افعال خویش پاسخ‌گو باشد. وی بر این باور است که علم باید در خدمت حقیقت و هدایت باشد و نه صرفاً در راستای سود و منفعت مادی (Tabataba'i, 1997). همچنین شهید مطهری با تأکید بر نسبت علم و ایمان، بیان می‌کند که اگر علم از اخلاق جدا شود، به ابزار خطرناک سلطه و تبعیض تبدیل می‌شود (Motahari, 1995). در همین راستا، فلاسفه اسلامی معاصر نیز بر این نکته تأکید دارند که مواجهه با علم مدرن، بدون تحلیل فلسفی و اخلاقی، موجب انفعال فرهنگی و معرفتی در جوامع اسلامی خواهد شد (Soroush, 2000).

با توجه به این پیش‌زمینه‌ها، بررسی مؤلفه‌های مسئولیت اخلاقی در مواجهه با علم جدید، از منظر فلسفه اسلامی، ضرورتی دوچندان دارد. درواقع، ما با نوعی خلأ نظری مواجه هستیم؛ از یک‌سو، اخلاق علم در جهان اسلام عمدتاً متأثر از ادبیات غربی است که گاه با مبانی فکری اسلامی ناسازگار است؛ و از سوی دیگر، تلاش‌های بومی در حوزه اخلاق علم، اغلب فاقد انسجام مفهومی و چارچوب‌های فلسفی قوی بوده‌اند. در چنین شرایطی، تحلیل مؤلفه‌های مسئولیت اخلاقی، مبتنی بر سنت فلسفه اسلامی، می‌تواند مسیر جدیدی در تولید نظریه‌های بومی در اخلاق علم بگشاید.

همچنین، باید توجه داشت که مسئولیت اخلاقی در فلسفه اسلامی، تنها به حوزه اخلاق فردی محدود نمی‌شود، بلکه دارای ابعاد اجتماعی، سیاسی و حتی هستی‌شناختی است. برای مثال، مفهوم «امانت الهی» در قرآن (الاحزاب، ۷۲) به‌عنوان نماد مسئولیت انسان در برابر جهان، می‌تواند پایه‌ای برای فهم مسئولیت دانشمند مسلمان در قبال هستی باشد. افزون بر آن، فلسفه اسلامی با تأکید بر غایت‌مندی خلقت، انسان را موجودی دانا، مختار و پاسخ‌گو به خدا و خلق می‌داند؛ این امر، مسئولیت علمی را نیز در این بستر معنادار می‌سازد (Nasr, 2010).

از دیدگاه روش‌شناختی، تحلیل مسئولیت اخلاقی در مواجهه با علم جدید باید همزمان به ابعاد معرفت‌شناختی، وجودی و ارزشی توجه داشته باشد. چنین تحلیلی نمی‌تواند صرفاً متکی به آموزه‌های وارداتی غربی باشد، بلکه نیازمند بازخوانی منابع اصیل اسلامی و گفت‌وگو با تحولات علمی معاصر است. این تعامل میان سنت و تجدد، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند اخلاق زیستی، اخلاق محیط‌زیست، اخلاق فناوری و اخلاق پژوهش، اهمیتی اساسی دارد (Ebrahim, 2014).

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های مسئولیت اخلاقی در مواجهه با علم جدید از منظر فلسفه اسلامی انجام شده است. این مطالعه تلاش دارد تا با استفاده از روش کیفی و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با متخصصان حوزه فلسفه اسلامی و اخلاق، تصویری نظام‌مند از ابعاد این مسئولیت ارائه دهد. نتایج این پژوهش می‌تواند نه تنها در ارتقاء فهم نظری از مسئولیت اخلاقی، بلکه در طراحی سیاست‌های اخلاق‌محور در نظام علمی جمهوری اسلامی ایران نقش‌آفرین باشد.

به بیان دیگر، فهم دقیق این مؤلفه‌ها می‌تواند به تقویت سبک زندگی اخلاقی دانشمندان، نهادینه‌سازی اخلاق در آموزش عالی، و جهت‌دهی به سیاست‌گذاری علم و فناوری بر اساس آموزه‌های اسلامی منجر شود. علاوه بر این، توجه به چنین موضوعی، راه را برای تولید الگوهای بومی در اخلاق علم هموار می‌سازد؛ الگوهایی که بتوانند پاسخ‌گوی نیازهای معرفتی، اخلاقی و اجتماعی جهان اسلام در عصر علم‌محور باشند.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد تحلیل مضمون (Thematic Analysis) انجام شده است. هدف از این پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های مسئولیت اخلاقی در مواجهه با علم جدید از منظر فلسفه اسلامی است. به منظور دستیابی به دیدگاه‌های عمیق و چندبعدی اندیشمندان حوزه فلسفه اسلامی، از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بهره گرفته شد.

جامعه مورد مطالعه شامل متخصصان و صاحب‌نظران در حوزه‌های فلسفه اسلامی، اخلاق و علم دینی بوده است. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند (Purposeful Sampling) افرادی انتخاب شدند که دارای سابقه علمی و پژوهشی در حوزه فلسفه اسلامی و مباحث مرتبط با علم جدید و اخلاق بوده‌اند. فرایند مصاحبه تا زمان اشباع نظری ادامه یافت و در مجموع با ۲۴ نفر از متخصصان ساکن شهر تهران مصاحبه به عمل آمد.

مصاحبه‌ها به صورت حضوری یا مجازی، بر اساس شرایط زمانی و مکانی شرکت‌کنندگان، انجام گرفت و هر مصاحبه به‌طور میانگین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید. سؤالات مصاحبه به‌صورت باز طراحی شده بودند تا امکان بروز عمیق دیدگاه‌ها و تجارب افراد فراهم شود. نمونه‌ای از پرسش‌ها عبارت بودند از: «از دیدگاه فلسفه اسلامی، مواجهه اخلاقی با علم جدید چگونه باید باشد؟» و «چه مؤلفه‌هایی را می‌توان به‌عنوان ارکان مسئولیت اخلاقی در مواجهه با علم جدید برشمرد؟».

تحلیل داده‌ها به شیوه تحلیل مضمون با استفاده از نرم‌افزار NVivo صورت گرفت. پس از پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها، کدگذاری اولیه انجام شده و مفاهیم اولیه استخراج شدند. سپس کدها در قالب مضامین فرعی و اصلی دسته‌بندی شدند. برای اطمینان از دقت تحلیل، از روش بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان (Member Checking) و کدگذاری مشترک با مشارکت پژوهشگر دوم استفاده شد.

یافته‌ها

مقوله اول: مبانی فلسفی مسئولیت اخلاقی

نقش عقل در تشخیص مسئولیت:

در فلسفه اسلامی، عقل جایگاهی بنیادین در تبیین مسئولیت اخلاقی دارد. عقل عملی نه تنها توانایی تمییز خیر از شر را داراست، بلکه در مقام داوری اخلاقی نیز نقش ایفا می‌کند. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که «در مواجهه با علم جدید، عقل باید به‌عنوان مرجع تنظیم ارزش‌ها عمل کند، نه صرفاً ابزار تحلیل تکنیکی» (مشارکت‌کننده شماره ۶). همچنین، تأکید شد که عقلانیت دینی در اخلاق اسلامی، متکی بر تعقل انتقادی و ملاک‌گذاری ارزشی است.

جایگاه اراده و اختیار:

مسئولیت اخلاقی بدون فرض اختیار معنایی ندارد. از نظر فیلسوفان اسلامی، اراده آگاهانه پیش‌شرط اخلاق است. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان داشت: «اگر فرد در پذیرش یا رد علم جدید فاقد اراده و اختیار باشد، مسئولیت اخلاقی هم موضوعیتی ندارد» (مشارکت‌کننده شماره ۱۲). به همین دلیل، تأکید بر آزادی در انتخاب علمی و اخلاقی از ارکان این بحث به شمار می‌رود.

رابطه انسان و علم در فلسفه اسلامی:

در دیدگاه اسلامی، علم هدف نیست بلکه ابزاری در خدمت تعالی انسانی است. علم در این منظر باید تابع حکمت عملی باشد. یکی از اساتید فلسفه اسلامی عنوان کرد: «علم اگر از حکمت عملی جدا شود، تبدیل به تیغی در دست کودک می‌شود» (مشارکت‌کننده شماره ۱۷). از این‌رو، علم باید در مسیر انسان‌محوری و خدمت به اهداف متعالی هدایت شود.

تبیین هدف غایی اخلاق:

اخلاق اسلامی مبتنی بر هدف‌مندی است؛ غایت اخلاق، قرب الهی و رسیدن به کمال انسانی است. مشارکت‌کنندگان بر پیوند میان علم، اخلاق و سعادت تأکید کردند. به‌طور نمونه یکی از ایشان اظهار داشت: «علم جدید باید در راستای رسیدن به زندگی طیبه باشد، نه فقط در خدمت رفاه مادی» (مشارکت‌کننده شماره ۲).

ماهیت تعهد اخلاقی از منظر فلسفه اسلامی:

تعهد اخلاقی در این دیدگاه، نه صرفاً الزام بیرونی، بلکه فضیلتی درونی و آگاهانه است. این تعهد مبتنی بر وفاداری به حقیقت و عدالت معرفتی است. یکی از مصاحبه‌شوندگان تأکید کرد: «دانشمند مسلمان باید متعهد به حقیقت باشد، حتی اگر آن حقیقت با منافع او در تعارض باشد» (مشارکت‌کننده شماره ۹).

هستی‌شناسی خیر و شر در مواجهه با علم:

علم از منظر اسلامی خنثی نیست و همواره در بستر نیت، کاربرد و زمینه اجتماعی ارزش‌گذاری می‌شود. برخی از مشارکت‌کنندگان با نقد پوزیتیویسم علمی بیان کردند: «علم زمانی که بدون ارزش‌داوری دنبال شود، می‌تواند به خدمت شر درآید» (مشارکت‌کننده شماره ۱۹).

مقوله دوم: الزامات کنش اخلاقی در مواجهه با علم جدید

درک پیامدهای اخلاقی علوم جدید:

درک پیامدهای انسانی، زیست‌محیطی، و اجتماعی علوم نوین، شرط اولیه مسئولیت اخلاقی در این حوزه است. مشارکت‌کننده‌ای در این باره گفت: «فناوری نانو یا هوش مصنوعی، اگر بدون تحلیل پیامدهای اخلاقی رها شوند، می‌توانند آسیب‌زا باشند» (مشارکت‌کننده شماره ۴).

حساسیت اخلاقی در تصمیم‌گیری علمی:

تصمیمات علمی نیازمند توجه فعال به ارزش‌های انسانی هستند. حساسیت اخلاقی یعنی توانایی درک تأثیرات احتمالی تصمیمات علمی بر زیست انسانی. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «گاهی یک تصمیم فنی کوچک، پیامدهای عظیم اخلاقی دارد؛ دانشمند باید از این آگاه باشد» (مشارکت‌کننده شماره ۱۰).

مسئولیت پاسخ‌گویی به جامعه:

اخلاق علمی مستلزم شفافیت و پاسخ‌گویی به مردم است. شرکت‌کنندگان بر وظیفه اطلاع‌رسانی صادقانه، رعایت عدالت در توزیع دانش، و مقابله با سوءاستفاده از دانش تأکید داشتند. «دانشمند نمی‌تواند فقط به نفع ساختار قدرت تولید دانش کند، بلکه باید پاسخ‌گو به جامعه باشد» (مشارکت‌کننده شماره ۷).

پرهیز از سلطه‌طلبی علمی:

یکی از موضوعات مهم مطرح‌شده، پرهیز از تبدیل علم به ابزار سلطه بود. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که علم باید مشارکتی، عادلانه و در خدمت رفع نیازهای عمومی باشد. «علمی که تنها در دست عده‌ای خاص باشد، از رسالت اخلاقی خود فاصله می‌گیرد» (مشارکت‌کننده شماره ۱۴). توجه به اخلاق بین‌المللی علم:

مسئولیت اخلاقی در دوران جهانی‌شدن، جنبه فراملی یافته است. دانشمند مسلمان باید در برابر چالش‌های اخلاقی بین‌المللی مانند حقوق بشر، سوءاستفاده از فناوری‌های نو، و تجارت دانش پاسخ‌گو باشد. «ما نمی‌توانیم نسبت به فجایع زیستی یا سلاح‌های زیستی بی‌تفاوت باشیم» (مشارکت‌کننده شماره ۵).

مواجهه اخلاقی با علم بی‌طرف:

یکی از موارد مهم در تحلیل مصاحبه‌ها، رد نگاه بی‌طرف به علم بود. «علم از نیت و ساختارهای اجتماعی متأثر است؛ ادعای بی‌طرفی، خود یک موضع‌گیری است» (مشارکت‌کننده شماره ۱۸). از این‌رو، اخلاق باید در بطن تولید و مصرف علم حضور داشته باشد.

مقوله سوم: سبک زندگی اخلاقی دانشمند مسلمان

التزام عملی به آموزه‌های اخلاقی:

دانشمند مسلمان باید در رفتار علمی خود به اصولی چون صداقت، فروتنی، و عدالت پایبند باشد. یکی از شرکت‌کنندگان عنوان کرد: «وقتی استاد دانشگاه، پژوهش تقلبی چاپ می‌کند، دیگر نمی‌توان از اخلاق علمی سخن گفت» (مشارکت‌کننده شماره ۸).

خودآگاهی و بازاندیشی مستمر:

بازبینی مداوم در ارزش‌ها، باورها و نیت‌ها از ویژگی‌های اصلی سبک زندگی اخلاقی است. این فرایند موجب افزایش مسئولیت‌پذیری فردی می‌شود. «دانشمند باید مرتب از خود بپرسد که چرا و برای چه چیزی تحقیق می‌کند» (مشارکت‌کننده شماره ۳).

تعامل انتقادی با علم مدرن:

نقد مبانی سکولار و توجه به بومی‌سازی از دیگر مؤلفه‌های اساسی است. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «نمی‌توان نسخه غربی علم را بی‌چون‌وچرا در جهان اسلام پیاده کرد؛ باید به گزینش و پالایش پرداخت» (مشارکت‌کننده شماره ۲۲).

پیوند علم با معنویت اسلامی:

علم اسلامی بدون معنویت معنا ندارد. پیوند بین علم و ایمان، موجب تعالی نیت و افزایش مسئولیت‌پذیری می‌شود. «وقتی پژوهش از نیت الهی تهی شود، تبدیل به سودگرایی صرف می‌شود» (مشارکت‌کننده شماره ۲۴).

مسئولیت تربیتی دانشمند:

دانشمند در قبال نسل آینده نیز مسئول است. انتقال ارزش‌های اخلاقی به دانشجویان و همکاران، از رسالت‌های اخلاقی اوست. «دانشمندی که شاگرد اخلاق‌مدار تربیت نکند، جامعه علمی را تهی از معنا می‌سازد» (مشارکت‌کننده شماره ۱۳).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که مسئولیت اخلاقی در مواجهه با علم جدید از منظر فلسفه اسلامی، پدیده‌ای چندبعدی و درهم‌تنیده با مفاهیم عقل، اختیار، هدف‌مندی خلقت، و التزام به حقیقت است. تحلیل مضمون مصاحبه‌های انجام‌شده با ۲۴ نفر از متخصصان فلسفه اسلامی و اخلاق علمی، سه مقوله اصلی را برجسته ساخت: «مبانی فلسفی مسئولیت اخلاقی»، «الزامات کنش اخلاقی در مواجهه با علم جدید»، و «سبک زندگی اخلاقی دانشمند مسلمان». هر یک از این مقوله‌ها شامل زیرمقوله‌هایی بودند که نشان‌دهنده عمق و گستره فهم فلسفه اسلامی از مسئولیت اخلاقی در بستر علم معاصر است.

در مقوله اول، شرکت‌کنندگان بر نقش بنیادین عقل عملی در تشخیص کنش‌های اخلاقی تأکید داشتند. یافته‌ها نشان داد که از دیدگاه فلسفه اسلامی، عقل صرفاً ابزاری برای تحلیل تکنیکی نیست، بلکه توان داوری اخلاقی دارد و اساس مسئولیت‌پذیری فرد را تشکیل می‌دهد. این تحلیل با آراء ابن‌سینا در شفا همخوان است، جایی که وی عقل را مسئول تفکیک خیر از شر و هدایت اراده به سوی افعال نیک می‌داند (Ibn Sina, 1952). همچنین یافته‌های پژوهش با دیدگاه ملاصدرا در پیوند میان عقل، اراده، و اختیار در نظام وجودی انسان مطابقت دارد؛ زیرا وی انسان را موجودی آزاد می‌داند که در قبال افعال خود و پیامدهای آن‌ها پاسخ‌گو است (Nasr, 2006).

در ادامه، یافته‌ها نشان دادند که از منظر فلسفه اسلامی، علم فاقد غایت‌مندی، به نوعی انحراف از مسیر حکمت است. در این نگاه، علم اگر در خدمت کمال انسانی و تقرب الهی نباشد، می‌تواند موجب سقوط اخلاقی انسان گردد. این نگرش با تحلیل‌های متأخر سید حسین نصر درباره پیوند علم و معنویت همخوانی دارد. نصر تأکید می‌کند که علم مدرن با بریدن از منبع الهی، تبدیل به دانشی بحران‌زا شده و تنها از طریق بازگشت به معنویت قابل اصلاح است (Nasr, 2010).

مقوله دوم، بر الزامات اخلاقی کنش علمی تمرکز داشت. مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که علم جدید بدون درک پیامدهای اخلاقی‌اش، ممکن است به تهدیدی برای بشر تبدیل شود. این یافته با دیدگاه یوناس در کتاب ضرورت مسئولیت هم‌خوان است، جایی که وی خواهان گسترش دامنه اخلاق برای پاسخ‌گویی به تبعات علوم و فناوری‌های نوین است (Jonas, 1984). به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند مهندسی ژنتیک، هوش مصنوعی و محیط زیست، فلسفه اسلامی می‌تواند الگویی برای ارزیابی اخلاقی پیامدمحور ارائه دهد؛ الگویی که تنها بر سود و ضرر مادی متکی نیست، بلکه کرامت انسان، عدالت بین‌نسلی و غایت وجودی را در نظر می‌گیرد.

در همین راستا، مسئولیت پاسخ‌گویی به جامعه یکی دیگر از محورهای پررنگ در یافته‌ها بود. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که دانشمند مسلمان باید نسبت به تبعات اجتماعی پژوهش خود آگاه بوده و پاسخ‌گو به مردم باشد. این دیدگاه با نظریه‌های متأخر در اخلاق علم، مانند نظریه

زوارت درباره مسئولیت اجتماعی دانشمندان، همراستا است که تأکید می‌کند دانش علمی نباید در خلأ اجتماعی تولید شود، بلکه باید در پاسخ به نیازهای واقعی جامعه باشد (Zwart, 2008).

همچنین پرهیز از سلطه‌طلبی علمی و توجه به اخلاق جهانی، از دیگر مؤلفه‌های این مقوله بودند که بازتاب‌دهنده نگرانی از تبدیل شدن علم به ابزار قدرت‌های سیاسی و اقتصادی است. این نگرانی‌ها با پژوهش‌های ابراهیم درباره ضرورت نظارت اخلاقی بر فناوری‌های زیستی و اطلاعاتی همراستا است (Ebrahim, 2014).

در مقوله سوم، یعنی سبک زندگی اخلاقی دانشمند مسلمان، یافته‌ها نشان دادند که اخلاق علمی تنها در سطح نظری کافی نیست، بلکه باید در قالب منش فردی و کنش اجتماعی تجلی یابد. صداقت علمی، فروتنی معرفتی، و پایبندی به کرامت انسانی از جمله ویژگی‌هایی بودند که مشارکت‌کنندگان به عنوان الگوی رفتاری دانشمند اخلاق‌مدار معرفی کردند. این یافته با آرای مطهری نیز همخوان است؛ وی در آثار خود تأکید می‌کند که «علم بدون ایمان، شمشیری در دست دزد است» و تنها در صورت پیوند با اخلاق و معنویت می‌تواند انسان‌ساز باشد (Motahari, 1995).

همچنین نقش خودآگاهی و بازاندیشی در مسیر علمی، یکی از مؤلفه‌های پررنگ در یافته‌ها بود. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که دانشمند باید همواره نیت خود را بررسی کرده و نسبت به پیامدهای کار علمی‌اش حساس باشد. این نگرش با ایده‌های ابن‌مسکویه درباره مراقبه اخلاقی و بازگشت مداوم به وجدان اخلاقی همراستا است. پیوند علم و معنویت نیز به عنوان شرط لازم برای مسئولیت اخلاقی مطرح شد، چرا که علم بدون نیت الهی، به ابزاری برای سودطلبی و رقابت بی‌رحمانه تبدیل می‌شود.

نکته مهم دیگر که از یافته‌ها استنباط می‌شود، مسئولیت تربیتی دانشمند مسلمان است. مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که دانشمند، افزون بر تولید دانش، باید در تربیت نسل بعدی پژوهشگران اخلاق‌مدار نیز نقش فعال ایفا کند. این دیدگاه با سنت اسلامی در باب علم‌آموزی، که همواره بر «تزکیه» همراه با «تعلیم» تأکید داشته، هم‌سو است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

References

- Al-Attas, S. M. N. (1993). *Islam and Secularism*. ISTAC.
 Ebrahim, A. F. M. (2014). *Islamic Ethics and the Use of Biotechnology in Medicine*. Springer.
 Farabi, A. N. (1985). *Ara' Ahl al-Madina al-Fadila*. Beirut: Dar al-Mashreq.
 Ibn Sina. (1952). *Al-Shifa*. Cairo: al-Matba'ah al-Amiriyah.

- Jonas, H. (1984). *The Imperative of Responsibility: In Search of an Ethics for the Technological Age*. University of Chicago Press.
- Motahari, M. (1995). *Collected Works*, Vol. 24. Tehran: Sadra.
- Nasr, S. H. (2006). *Science and Civilization in Islam*. Harvard University Press.
- Nasr, S. H. (2010). *The Need for a Sacred Science*. SUNY Press.
- Resnik, D. B. (2020). *The Ethics of Science: An Introduction*. Routledge.
- Soroush, A. (2000). *The Expansion of Prophetic Experience*. Tehran: Serat.
- Tabataba'i, M. H. (1997). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ta'aruf.
- Zwart, H. (2008). Understanding the Role of Ethics in Scientific and Technological Practice. *EMBO Reports*, 9(6), 508–512.